

روایتی مقایسه‌ای از زمین و سیاست در دوران حکومت پهلوی دوم

رضانژادنقی^۱ تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۰معصومه قره داغی^۲ناصرصدقی^۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۵منیژه صدری^۴

چکیده

اصلاحات ارضی یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی بود که در دوره محمدرضا شاه به مرحله اجرا درآمد و تحولات عمیقی را در زمینه مالکیت ارضی، ساختار طبقاتی، تحرک اجتماعی و ترکیب گروه‌های حاکم به وجود آورد. هدف از اجرای اصلاحات ارضی اجتماعی و سیاسی بود که درهم شکستن نفوذ سیاسی، اجتماعی مالکان از پیامدهای اصلی آن بود. این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و حوادث مورد نظر با استفاده از اسناد تاریخی، خاطرات رجال سیاسی و مصاحبه با شاهدان عینی وقایع موردتجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق فرضیه این است که پیامدهای اجتماعی سیاسی اصلاحات ارضی منجر به رشد و تشدید حاشیه‌نشینی شهری و در نهایت گسترش و تقویت رادیکالیزم در میان جوانان شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که وقوع اصلاحات ارضی منجر به مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها شد و چون این روستاییان درآمد اندکی داشتند مجبور به سکونت در حاشیه شهرهای بزرگ شدند که در نتیجه موجبات تشدید و رشد حاشیه‌نشینی شهری را پدید آوردند. در عرصه‌ی سیاسی اجرای اصلاحات ارضی به تضعیف قدرت مالکان و افزایش نفوذ و تمرکز قدرت دولت در روستاها منجر شد. در این پژوهش سعی شده است تا به سوال چرا بین زمین و سیاست در دوران حکومت پهلوی دوم ارتباط برقرار شده است پاسخ داده شود که دریافتیم به این دلیل رابطه زمین و سیاست جدی گرفته شده که تا حد زیادی بقای سیاست در گرو دستکاری زمین بوده است.

واژگان کلیدی: اصلاحات ارضی، پیامدها، تقسیم زمین، کشاورزی

^۱ گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (rn4229@gmail.com)

^۲ گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده مسئول) Masomehgaradagi90@gmail.com

(برگرفته از رساله دکتری)

^۳ گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۴ گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

اصلاحات ارضی، تغییری است که دولت در سیستم مالکیت و بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی ایجاد می‌کند و در نظام‌های مختلف سیاسی به روش‌های متفاوت انجام می‌پذیرد. اصلاحات ارضی علاوه بر علل و عوامل اقتصادی، انگیزه‌های سیاسی و به تبع آن، پیامدهای سیاسی نیز به دنبال دارد. در بسیاری از کشورهای جهان سوم، اصلاحات ارضی به معنای گرفتن زمین از مالکین بزرگ و تقسیم آن بین کشاورزان است. اصلاحات ارضی می‌تواند دلایل اجتماعی داشته باشد و اجرای آن منجر به فروپاشی مناسبات ظالمانه‌ی فئودالی شود. (جنگ روی، ۱۳۹۷)

در نظام‌های مالکیت ارضی و سنتی، زمین، منبع اصلی درآمد و سرمایه‌ی اولیه‌ی ثروت به شمار می‌رود و در کشورهای در حال توسعه به طور طبیعی به عنوان قدرت سیاسی و مقام اجتماعی و عمدتاً امری سیاسی تلقی می‌گردد.

یکی از رویدادهایی که جایگاه و سرنوشت دهقانان در تاریخ سیاسی ایران را متحول نمود اجرای اصلاحات ارضی در دوران پهلوی دوم می‌باشد. اهمیت این مسئله تا بدانجاست که بسیاری از محققان داخلی و خارجی این مسئله را مورد بررسی و تبیین قرار داده و به تبعات و نتایج آن نیز پرداخته‌اند. توجه به ریشه‌های فکری اصلاحات ارضی و بنیان‌های نظری آن برای شناخت بیشتر و بهتر تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی قبل از انقلاب و حین انقلاب اسلامی امری ضروری است. اصلاحات ارضی در ایران، برای نخستین بار در جریان جنبش مشروطه در سطح عمومی مطرح شد و جزء برنامه‌های برخی از احزاب این دوره قرار گرفت. (Meier, ۱۹۸۰). اما آغاز رسمی این تحول اجتماعی به زهان حکومت محمدرضا پهلوی برمی‌گردد. علاوه بر متغیرهای داخلی تأثیرگذار بر سیاست‌های رژیم در این برهه، متغیرهای خارجی و در رأس آن، متحدان غربی یعنی آمریکا همواره به عنوان یک مهره حیاتی در سرنوشت سیاسی کشور نقش بازی می‌کردند. آمریکا از ابتدای دهه ۱۹۶۰ فعالانه ایران را تشویق و وادار به اصلاحات ارضی نموده بود. علاوه بر این، محمدرضا شاه برای راه اندازی بانک عمران در سال ۱۹۵۲ از حمایت کامل آمریکا برخوردار بود. این بانک باهدف نظارت بر فروش و توزیع زمین‌هایی که به دستور رضاشاه گرفته شده و در تملک محمدرضا شاه باقی مانده بود، تأسیس شد. در پی فشار آمریکا، هر دو مجلس، قانون جدید اصلاحات ارضی را از تصویب گذرانیدند و به امضای شاه رسید (اصغری، ۱۳۸۸)

داودزاده (۱۳۵۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی پیرامون نقش اصلاحات ارضی در توسعه اقتصادی ایران» که در آبان ۱۳۵۰ مورد دفاع قرار گرفته است، هیچ بحثی پیرامون نتایج حاصل از اصلاحات ارضی نمی‌کند، یا دست کم هیچ بحث انتقادی در این رابطه مطرح نمی‌گردد. بی

شک، یکی از دلایل فقدان این بحث، فاصله‌ی زمانی اندکی است که این پایان نامه با وقوع اصلاحات ارضی دارد. آغاز اصلاحات ارضی در ۱۳۴۱، و دفاع از این پایان نامه نه سال بعد، در ۱۳۵۰ بوده است. اما فارغ از این شتابزدگی، باید به نگاه یک سویه‌ی پژوهشگر نیز اشاره کرد و تنها متوجه فقدان ابزار تولید جدید و در نتیجه، نابسامانی‌های کشاورزی ایران تا پیش از وقوع اصلاحات ارضی بوده و این اصلاحات را در تمام جوانب آن، مثبت و قابل دفاع ارزیابی کرده است.

زنگنه (۱۳۵۱) در پژوهشی با عنوان «آثار اجتماعی و اقتصادی شرکت‌های سهامی زراعی و اهمیت آن در تحول اصلاحات ارضی ایران» از تز خود دفاع کرد. در این بررسی، اثری از پژوهشی جامعه‌شناختی و تحلیل‌گرانه به چشم نمی‌خورد، بلکه نگارنده در صدد شرحی از اصلاحات ارضی، از جنبه حقوقی بوده و لذا مراحل مختلف اجرای این اصلاحات را مورد ارزیابی قرار داده است. خود پژوهشگر، در مقدمه توضیح داده است که: «به علت این که شرکت‌های سهامی زراعی هنوز هم مراحل اولیه‌ی رشد و تکامل را می‌پیماید، نتیجه‌گیری دقیق و صحیح ممکن نخواهد بود. با استمرار ثمرات پژوهشی دیگر با عنوان «نقش اصلاحات ارضی در نهادها و گروه‌های اجتماعی و اقتصادی ایران» اثر محمد خوشنام تهرانی در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه ملی در دی ماه ۱۳۵۳ مورد دفاع قرار گرفته است. در این پایان نامه نیز از جهش بزرگی که اصلاحات ارضی برای ایران به دنبال آورده بود، سخن گفته شده و ابعاد مثبت این اصلاحات به شدت برجسته شده‌اند، و شوربختانه مجدداً هیچ رویکرد انتقادی، با اشاره‌ای به روند مهاجرت‌های چشمگیر نشده است.

فرهاد نعمانی مورخ اقتصادی ایرانی، طرفدار مفهوم شوروی از فئودالیسم ایرانی است. پژوهشگران دیگری چون اشرف و سوداگر مالکیت حکومت، بر زمین را پذیرفته‌اند. بعضی دیگر از متفکران براساس مالکیت حکومت بر زمین به وجود نظام گسترده اداری به جای شیوه تولید آسیایی از نظام بوروکراتیک یاد کرده‌اند. عده دیگری نیز با طرح نظام طبقات بی‌انعطاف به نظریه اصلاح شیوه تولید آسیایی تلاش نموده‌اند. (خنجی، اشرف و کاتوزیان) تعاریف آسیایی ایران، توسعه تاریخ ایران را براساس عملکرد ساختار دولت توضیح می‌دهند، که با واژه استبداد تعریف می‌شود و به ماهیت خودسرانه قدرت سیاسی اشاره دارد که از خصوصیات جوامع آسیایی است. عده دیگری نیز از اصلاحات ارضی به عنوان اصلاحات خیرخواهانه شاه یاد کرده‌اند، که بیشتر نویسندگان قبل از انقلاب در این زمره قرار دارند، در حالی که بعد از انقلاب تمام نوشته‌ها اقدامات حکومت قبلی به خصوص اصلاحات ارضی را رد کرده‌اند.

با توجه به آنچه بیان شد، این پرسش های اساسی در ذهن شکل می گیرد که تاثیر اصلاحات ارضی در سیاست و انقلاب ایران تا چه اندازه بوده است آیا اصلاحات ارضی تاثیری بر فرایند مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها داشت؟ هدف کلی این مقاله بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تاثیر آن بر ساختار سیاسی در دوران پهلوی دوم است.

مقایسه اصلاحات ارضی قبل و بعد از انقلاب اسلامی

در ایران معاصر از سالهای 1342 تا 1357 سه عامل در مهاجرت روستاییان به شهرها و شکل گیری پدیده حاشیه نشینی نقش داشته اند: اصلاحات ارضی، افزایش درآمدهای نفتی و اجرای ناقص برنامه های عمرانی و رشد و توسعه اقتصادی که تکیه مقاله حاضر بر عامل نخستین است.

طرح اصلاحات ارضی در سال 1342 بدون برنامه انجام شد. بر اساس این طرح، زمینهای ملاکین بین روستاییان تقسیم شد؛ اما روستاییان به تنهایی پولی نداشتند تا زمینها را زیر کشت ببرند، بنابراین عملاً زمینهای کشاورزی فاقد حاصلخیزی قابل توجه میشدند. در این زمان سیستم تعاونی در کشور وجود نداشت تا صاحبان زمینهای کوچک با هم مشترکاً کشاورزی کنند و سود حاصله را بین خود تقسیم نمایند، بالاتر از همه اینکه زمینهای کوچک ارزش اقتصادی نداشتند تا در آنها محصولی کشت شود. به همین دلیل اغلب دهقانان زمینهای خود را فروخته و برای کارگری به شهرهای بزرگ از جمله تهران مهاجرت می کردند؛ به تدریج بخش عمده ای از این جمعیت حاشیه نشین شدند (Ashraf & Banuazizi, 1985). برخی محققین بر این باورند طرح اصلاحات ارضی، که باعث شد روستاییان فراوانی فقیرتر از پیش شوند و همین امر آنها را وادار کرد تا به شهرها مهاجرت نمایند، عنصر مهمی در شکل گیری انقلاب ایران در سال 1357 بود. (Hugland, 1980)

در زمان اصلاحات ارضی، حداقل پنجاه هزار روستا در کشور وجود داشت و هر روستا حداقل پنجاه خانوار را در خود جای داده بود، یعنی در دوره یادشده حداقل دو و نیم میلیون خانوار روستائی در کشور وجود داشت. در این دوره فرایند صنعتی شدن، در کنار شهری شدن و مدرنیزاسیون شدت پیدا کرد، روستاییانی که زمینهای خود را فروخته و به شهر مهاجرت کرده بودند، عمدتاً به عنوان کارگر غیر ماهر در کارخانه های بزرگ صنعتی به کار مشغول میشدند. در این دوره قانون کار که بتواند کارگران را تحت پوشش خود قرار دهد وجود خارجی نداشت و اکثر مهاجرین روستائی از سیستم تأمین اجتماعی مثل بیمه بهداشتی، بیمه از کارافتادگی و حق بیکاری محروم بودند. بنابراین روستاییان نه میتوانستند با معیارهای زندگی صنعتی زندگی کنند و نه میتوانستند الگوهای زندگی روستائی را ادامه دهند. در دهه چهل اصلاحات ارضی در ایران

به منظور تقویت طبقه متوسط و ایجاد قشر جدید دیوانسالار اداری شکل گرفت. گفته می‌شود ملاکین و زمینداران نه تنها قدرت اقتصادی، بلکه قدرت سیاسی را هم به دست گرفته‌اند. ملاکین با خریدن آراء روستائیان، نمایندگان مورد نظر خود را به مجلس می‌فرستادند؛ و نمایندگان هم قوانینی تصویب می‌کردند که مطابق منافع ملاکین باشد. قدرت اجرائی کشور هم در واقع نمایندگان همین زمینداران بزرگ محسوب می‌شد. بنابراین تصمیم گرفته شد اصلاحاتی به منظور شکل‌گیری قشر خرده مالک انجام گیرد، همزمان قرار بود طبقه متوسط شهری بیش از پیش مورد حمایت قرار گیرد تا این طبقه بتواند در آینده ای نزدیک قدرت را به دست گیرد (شجیعی ۱۳۴۴).

تصویب و اجرای اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ موجب گردید که جامعه روستایی ایران شدیداً طبقاتی شود؛ بدین معنی که در راس هرم سلسله مراتب اجتماعی روستا، تعداد اندکی مالکان عمده قرار داشتند و در قاعده آن بخش عظیمی از توده‌های روستایی تهیدست. این نشان می‌دهد که توزیع زمین میان گروه‌های مختلف روستایی کاملاً ناعادلانه بوده است. پس از پیروزی انقلاب یکی از اصلی‌ترین مسائل که برای حل مشکلات و معضلات روستاهای ایران حس می‌شد، حل مسئله زمین بود تا از این طریق بتوانند دگرگونی‌های لازم را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستاهای ایران ایجاد نمایند. آن‌طور که سلطه زورگویان و خوانین که سالیان متمادی بر روستائیان حاکم بودند محو و نابود، و در عوض رابطه با ضابطه‌ای براساس قسط و عدل اسلامی جایگزین آن مناسبات ظالمانه گردد.^۵ نگاهی به آخرین آمارها در خصوص توزیع زمین در سال اول انقلاب، نشان می‌دهد که ۱۶۰۱۰۰۰ خانوار، زمینی برابر با ۲۰۴۳ میلیون هکتار در اختیار داشتند و در مقابل ۹۵۰۰ خانوار بزرگ مالک ۲/۴۵ میلیون هکتار زمین را در تصرف خود داشتند. با یک جمع‌بندی ساده می‌توان نتیجه گرفت که هر خانوار بزرگ مالک به اندازه ۱۷۱ برابر خانوارهای کم زمین، زمین در اختیار داشته‌اند (بدون احتساب خانوارهای بدون زمین). نتیجه آنکه: در آستانه انقلاب اسلامی، گذشته از خیل روستائیان بدون زمین، حتی میان بهره‌برداران مالک زمین نیز توزیع بسیار ناعادلانه بود. به‌طور کلی بهره‌برداران کشاورزی در این دوران به دو گروه عمده قابل تقسیم‌اند: گروه اول سرمایه‌داران ارضی (بهره‌بردارهای تجاری) و گروه دوم بهره‌بردارهای دهقانی که خود به سه قشر فقیر، متوسط و مرفه تقسیم می‌شوند.^۶ پس از انقلاب دارای حساسیت‌های ویژه‌ای بود که در مجموع اجرای چنین تحولی را ضروری، «مهم» و «خطیره» می‌نمود. توضیح آنکه: از یک طرف وجود روحیه انقلابی

^۵ همان، ص ۱۷

^۶ ضرورت رسیدگی فوری تر به تدوین قانون واگذاری و احیاء اراضی: کمیته تحقیق و پژوهش مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی، زیتون، شماره ۱۱، اسفند ۶۱، ص ۱۷

بالا در میان مردم و دست‌اندرکاران انقلاب، انجام چنین دگرگونی‌هایی را سهل می‌نمود و مقاومت مخالفان را به حداقل ممکن می‌رساند، و از طرف دیگر عدم وجود یک دیدگاه منسجم و واحد در میان گروه‌های انقلابی - از دولت موقت گرفته تا دیگر کانون‌های تصمیم‌گیرنده در امر انقلاب - کارشکنی‌های مخالفان نظام، وجود هرج و مرج‌های داخلی و ... تحقق صددرصد و عینی چنین تحولاتی را با مانع و مشکل روبه‌رو می‌نمود. حدود 33 درصد جمعیت ایران تا پیش از اصلاحات ارضی در شهرها زندگی میکردند. آهنگ سریع رشد جمعیت آلوده‌کن نشین‌ها به بعد از سال 1335 مربوط میشود، این پدیده بعد از اصلاحات ارضی و به دنبال افزایش درآمد‌های نفتی کشور و سوءمدیریتها در نحوه مصرف و هزینه کردن دلارهای نفتی در دهه پنجاه رشدی بیسابقه یافت، امری که زایش پدیده‌ای به نام حاشیه‌نشینی را به همراه داشت. در سال 1345 حدود 62 درصد از حاشیه‌نشینی‌های تهران کارگر ساده و غیرماهر، 12 درصد کارگر نیمه‌ماهر و 14 درصد کارگر ماهر بودند، اینها همه از مناطق روستائی به تهران هجوم آورده بودند. مهاجرت‌های روستائی مهمترین عامل شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی در این دوره زمانی بوده است، به طوری که 91 درصد سرپرست‌های خانوارهای حاشیه‌نشین، روستائی بودند، از این آمار 72 درصد پیشتر دهقان بودند و 59 درصد را خرده‌مالکائی تشکیل میدادند که در اثر اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند. این وضعیت باعث شد تا دو سال بعد از پیروزی انقلاب یعنی سال 1359 تعداد جمعیت آلوده‌کن نشین به شکلی روزافزون افزایش پیدا کند. (آبادیان، ۱۳۹۷)

برنامه آمریکا در رابطه به اصلاحات ارضی

با پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ م شرایط جدیدی در عرصه جهانی به وجود آمد. سال‌های پس از جنگ، دوره بیداری ملت‌های استعمارزده و بروز انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواهانه در کشورهای جهان سوم بود. همچنین پس از جنگ، شوروی به‌عنوان یک قدرت سیاسی - نظامی در عرصه سیاست بین‌الملل ظهور کرد و دارای اقماری به‌عنوان بلوک شرق شد. بعد از آن رقابت شدیدی بین بلوک شرق (شوروی) و بلوک غرب (آمریکا) به‌وجود آمد. در دوره جنگ سرد کمونیسم (شوروی) با تبلیغات گسترده در میان کشورهای عقب‌مانده، شروع به فعالیت کرد و در مقابل، غرب (آمریکا) در معارضه با آن قرار گرفت تا از یک طرف مستعمرات سستی خود را به شکل نوینی حفظ کند و از طرف دیگر، نفوذ شوروی را در میان کشورهای مستعمره در جهت اهداف غرب خنثی سازد. در پی موفقیت‌های ظاهری شوروی و جاذبه‌ای که شعار مبارزه با امپریالیسم در میان برخی از کشورها ایجاد کرده بود، آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که باید در کشورهای زیر سلطه خود برنامه‌هایی را به اجرا درآورند تا شعارهای کمونیستی

بی‌جاذبه یا کم‌جاذبه شود. (سیر مبارزات امام خمینی (ره) در آئینه اسناد به روایت ساواک، ۱۳۸۶). در راستای این سیاست یکی از برنامه‌های حکومت پهلوی اجرای اصلاحات ارضی بود که آیت‌الله بروجردی که مرجع تقلید و رییس وقت حوزه علمیه قم بود، با آن موافقت نکرد.

آمریکا با ورود به عرصه سیاست بین‌المللی، توازن قدرت را در سطح جهانی تغییر داد و دیگر نمی‌توانست نسبت به منافع و تعهداتی که در گوشه و کنار جهان داشت بی‌تفاوت بماند. به خصوص اینکه قدرت یافتن شوروی و گسترش اندیشه‌ی کمونیسم که با هدف حمایت از ملل محروم و قشرهای آسیب‌پذیر اجتماعی، به سرعت در حال پیشروی به سمت کشورهای شرق و غرب جهان بود، آمریکا را با تهدید ناگهانی منافع کشورش در سایر جوامع مواجه کرد و سردمداران آمریکایی را به فکر طرح استراتژی‌هایی برای مقابله با آن، انداخت. از مهم‌ترین طرح‌هایی که در این زمینه به اجرا گذاشته شد، دکترین ترومن^۷ بود که در آن، ضمن تشریح اوضاع جهانی و ابراز نگرانی از منافع آمریکا در کشورهای دیگر، در مقابل خطر رشد کمونیسم، خواستار تخصیص منابع مالی هنگفتی برای کمک به دولت‌های تحت نفوذ این کشور به منظور رفع مشکلات اقتصادی بود. نتیجه‌ی این تحولات، در پایان دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی، باعث شد تا منطقه‌ی خاورمیانه، شاهد کشمکش‌های حاد جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، برای تسلط بر منطقه باشد و به خصوص کشور ایران به لحاظ داشتن مرزهای مشترک با شوروی در مرکز توجه قرار گرفت^۸ به این ترتیب آمریکا در قالب مناسبات سیاسی و اجتماعی، ایران را تبدیل به پایگاه مهم و بزرگی نمود. به همین دلایل، سیاست اغلب رؤسای جمهور آمریکا از آیزنهاور تا کارتر بر پایه‌ی برقراری هر چه بهتر روابط دوستانه و نفوذ هر چه بیشتر در ایران بنا گردید. محمدرضا پهلوی نیز که با کمک نیروهای آمریکایی -انگلیسی و کودتای طراحی شده توسط آنان^۹ توانست سلطنت خویش را حفظ کند، به آمریکا برای تحکیم پایه‌های قدرت و مشروعیت خویش نیاز داشت. این شرایط به تدریج به عمیق شدن مناسبات ناسالم سیاسی و اقتصادی و به بیان دیگر، موجب تحکیم وابستگی رژیم پهلوی به آمریکا شد. بسیاری از این برنامه‌ها که تحت عنوان

^۷ اصل چهار ترومن که از سوی هری. اس. ترومن رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۴۷ میلادی ارائه شد.

^۸ آمریکا چگونه آمریکا شد، تألیف فرانک ال. شوئل، ترجمه ابراهیم صدیقانی، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، ۶۵ صفحه و مقاله روایت اسناد لانه جاسوسی از توطئه‌های آمریکا، سیدروح‌الله امین آبادی، پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳ آبان ۱۳۹۴، صفحه ۱.

^۹ نخستین عملیاتی که در زمان ریاست آلن دالس در سازمان سیا اجرا شد، عملیات چکمه بود که به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ آگوست ۱۹۵۳) مشهور شده است. این عملیات یک ماه پس از جنگ کره اجرا شد و با هدایت کیم روزولت؛ مأمور سازمان سیا و همکاری ام آی ۶ و ارتش اجرا شد و موجب سقوط حکومت دکتر مصدق و آغاز خودکامگی محمدرضا پهلوی گردید. این کودتایی بود که به منظور کنترل نفت، توسط سازمان سیا اجرا شد. بنگرید به: تاریخ سازمان سیا و تحولات جهانی، گردآوری و ترجمه حمید عشقی، انتشارات آرمان رشد، صفحات ۵۶ الی ۵۸ و ۳۴۱ و همین طور ارجاع شود به کتاب اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و براندازی دکتر مصدق ترجمه غلامرضا وطن‌دوست، انتشارات رسا، چاپ دوم، ۱۳۹۷.

مدرنیزاسیون مطرح شد، برنامه‌هایی اصلاح‌گرانه اما در اصل استعمارگرانه بود که از طرف سیاستمداران کاخ سفید برای ایران اتخاذ می‌شد.

اصلاحات ارضی و دولت دکتر علی امینی

در میان دولت‌های ایران، پس از شهریور ۱۳۲۰، نخستین دولتی را که می‌توان طرفدار آمریکا معرفی کرد، دولت قوام‌السلطنه است. وی در اولین کابینه‌ی خود در زمان محمدرضا پهلوی، دکتر علی امینی را به عنوان معاون نخست وزیر و رئیس هیئت نمایندگی ایران به آمریکا فرستاد. وابستگی امینی به سیاست‌های آمریکایی تقریباً در همین زمان شکل گرفت. علاقمندی رهبران سیاسی ایالات متحده به امینی باعث شد تا او بعد از این که مدتی عهده‌دار وزارت‌خانه‌های دارایی و دادگستری در کابینه‌ی حسین علاء بود، به منظور جلب کمک و حمایت بیشتر آمریکا به عنوان سفیر کبیر عازم این کشور شود. او در مدت حضور دو ساله‌ی حضور خود در واشنگتن، توانست نظر مقامات آمریکایی را نسبت به خود جلب کند. ارتباط و دوستی امینی با سران حزب دموکرات آمریکا و به ویژه شخص جان اف کندی، جایگاه ویژه‌ای را برای او ایجاد کرد. (حقیقی، ۱۳۸۷)

کندی در راستای اجرای طرح اصلاحات در ایران، خواستار حضور یک شخصیت لیبرال و طرفدار آمریکا در رأس دولت ایران بود که علی امینی به دلیل سوابقش، از دیدگاه آمریکا تمام شاخص‌های مورد نظر آنها را دارا بود. در این رابطه یکی از نزدیکان امینی اظهار داشت: «کندی با دکتر امینی از نزدیک آشناست و پس از شروع به کار، دکتر امینی را تقویت و حمایت خواهد کرد و نیز گفته شده است که ریاست کندی در ایران، تقویت جناح دکتر امینی و از طرف دیگر حمایت از جبهه ملی است.»^{۱۰}

پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ مقامات آمریکایی همچنان به شاه و دولت امینی فشار می‌آوردند تا اصلاحات ارضی را اجرا کنند. روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۰ نوشتند که چتر پاولز، مشاور کندی و جولیوس هلمز سفیر آمریکا با محمدرضا پهلوی و امینی و ارسنجان‌ی دیدار و گفتگو کردند. مشاور رئیس جمهور آمریکا، در دیدار با ارسنجان‌ی وزیر کشاورزی، مذاکراتی را در مورد لایحه اصلاحات ارضی انجام داد و از نحوه‌ی چگونگی آن، تعداد دهات و زارعین، ایجاد شرکت‌های تعاونی و ازدیاد تولید و توسعه‌ی وضع کشاورزی اطلاعاتی به دست آورد. همچنین پاولز در مذاکره با ارسنجان‌ی، اقدام

^{۱۰} علی امینی به روایت اسناد ساواک، جلد اول، صفحه ۲۷.

دولت ایران را در مورد اصلاح ارضی، یک اقدام شجاعانه خواند^{۱۱} وی در بدو ورود خود به ایران، برای نخستین بار عبارت انقلاب سفید را به کار برد.

امینی برای اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا نیاز به کمک‌های مالی داشت و دولت کندی نیز مصمم به حمایت مالی از دولت امینی بود و در همین راستا برای تأمین بخشی از هزینه‌های اصلاحات ارضی، کنسرسیوم نفتی را وادار به افزایش تولید خود کرد تا جایی که ایران به مقام سوم کشورهای صادرکننده نفت در جهان درآمد^{۱۲}.

برنامه دیگر آمریکا برای تأمین هزینه‌های اصلاحات ارضی در ایران، محدودکردن برنامه‌های فروش اسلحه به ایران و تشویق دولت امینی به کاهش بودجه‌ی نظامی بود^{۱۳}. به این ترتیب مرحله‌ی اول اصلاحات ارضی، توسط کابینه امینی به اجرا درآمد. اصلاحات ارضی که علی امینی به دنبال آن بود، سه هدف عمده را دنبال می‌کرد:

۱. تحدید قدرت زمین‌داران بزرگ،
۲. پیوستن نسق‌داران^{۱۴} به جمع بزرگ مالکان ارضی
۳. فروپاشی سازوکارهای قدیمی جامعه‌ی روستایی از طریق تحمیل سرمایه‌داری.

در این مرحله، مالکان ارضی، مجاز به مالکیت یک روستا و یا داشتن سهمی شش دانگ (هر دانگ، یک ششم مالکیت) اراضی مختلف بودند. مزارع چای، باغات میوه و اراضی مکانیزه از شمول این ماده مستثنی بودند. زمین‌داران موظف شدند، مازاد ارضی خود را به دولت بفروشند و دولت نیز آنها را با همان قیمت خرید به اضافه‌ی ده درصد هزینه‌های اداری به دهقانان می‌فروخت. اما این شرایط اعتراض بزرگ مالکان را علیه شاه و به جنبش درآمدن دهقانان را به حمایت از امینی و ارسنجانی به دنبال داشت. (میلانی، ۱۳۸۸) در حقیقت سال ۱۳۴۰، عرصه‌ی مبارزه‌ی قدرت میان امینی و شاه بود. وی می‌کوشید آمریکاییان را قانع کند که توانایی انجام اصلاحات مورد نظر آنها را دارد و مصمم شد به هر قیمت ممکن، رهبری اجرای بسیاری از اصلاحات اجتماعی و اقتصادی پیشنهادی آمریکا را خود شخصاً به دست بگیرد. تصمیمی که می‌توانست با توجه به بحران‌های موجود در جامعه از قبیل مشکلات اقتصادی، خشونت و تبعید،

^{۱۱} وزنامه اطلاعات، سال سی و ششم، شماره ۱۰۷۳۰، ۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۰ و روزنامه کیهان، شماره ۵۵۸۲، ۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۰

^{۱۲} زوایای تاریخ، جلال‌الدین فارسی، چاپ اول، صفحه ۵۲.

^{۱۳} علی امینی به روایت اسناد ساواک، همان

^{۱۴} آنهایی که به موجب نظام سنتی بهره برداری از ارضی، حق زراعت داشتند.

برگزار نکردن انتخابات و... مورد استقبال آمریکا واقع شود. ضمن اینکه امینی در پیشبرد برنامه‌های اصلاحی نتوانست موفقیتی به دست آورد. لذا شاه از این شرایط بهره برد و تلاش نمود تا توجهات دولت مردان کاخ سفید را از امینی به سوی خود متمایل نماید. (حقیقی، ۱۳۸۷) بنابراین در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۴۱ عازم آن کشور شد. شاه در این سفر مراتب پای‌بندی خود را به اجرای رفرم آمریکایی به مقامات آن کشور اعلام کرد. روزنامه‌ی اطلاعات نیز در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۴۱، در این مورد نوشت: «... شاهنشاه اطمینان یافتند که آمریکا پشتیبانی سیاسی و نظامی خود را از ایران ادامه خواهد داد. دستگاه دولتی آمریکا نیز به نوبه خود اطمینان یافت که شاهنشاه یک متحد استوار است که تصمیم قاطع به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی دارند^{۱۵}.... بدین ترتیب، پس از بازگشت محمدرضا پهلوی، علی امینی پس از ۱۴ ماه نخست‌وزیری در ۲۷ تیرماه ۱۳۴۱ استعفا داد^{۱۶}. ساواک نیز در گزارشی نوشته است که: «شایع است که آقای دکتر امینی در نظر داشته است از بودجه‌ی ارتش بکاهد، لیکن اعلیحضرت همایونی مخالفت نموده و به همین جهت آقای امینی استعفا داده است»^{۱۷} روایت دیگری نیز از این قضیه مطرح شده بود و آن اینکه، گفته می‌شد امینی به پشت گرمی آمریکایی‌ها برای کم کردن بودجه‌ی ارتش، روبروی شاه ایستادگی کرد. مطلبی که روزنامه‌ی باختر امروز نیز در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۴۱ به آن پرداخته بود.^{۱۸} اما از آنجایی که امینی در انجام اصلاحات مورد نظر سران آمریکایی، ناموفق بوده و علاوه بر این شرایط، ناآرامی‌های داخلی نیز شدت بیشتری یافته بود، از این جهت دیگر مهره‌ی کارسازی برای آمریکایی‌ها محسوب نمی‌گردیده و به همین دلایل آنها نیز از امینی در برابر شاه حمایت نکردند.

مخالفان و موافقان اصلاحات ارضی در دوران پهلوی

بعد از آنکه انجام اصلاحات ارضی به محمدرضا پهلوی ابلاغ شد، موضع‌گیری‌های مختلفی در ایران به وجود آمد. حسن حضرتی می‌نویسد: «در داخل هیئت حاکمه موضع‌گیری‌ها متفاوت بود. این طبقه که بیشتر در سلطه زمین‌داران و ملاکین بود، چندان رضایتی از این مقوله نداشتند و در رأس آن‌ها خود شاه به‌عنوان یک ملاک بزرگ به حساب می‌آمد. آنچه مسلم است این که شاه اگرچه بزرگ‌ترین ملاک کشور بود، ولی نمی‌توانست با اصلاحات ارضی مخالفت کند، به این دلیل که این مسئله یک امر جهانی و تحمیل شده از خارج بود و شاه که خودش را از پیشروان تجددگرایی مطرح می‌کرد، در صورت مخالفت با آن ضربه جبران‌ناپذیری به حیثیت خود وارد

^{۱۵} روزنامه اطلاعات به تاریخ ۲۶ / ۱ / ۱۳۴۱.

^{۱۶} علی امینی به روایت اسناد ساواک، جلد اول، صفحه ۶۲

^{۱۷} گزارش ساواک به تاریخ ۳۱ / ۴ / ۴۱ به نقل از علی امینی به روایت اسناد ساواک، جلد اول، صفحه ۶۲

^{۱۸} روزنامه باختر امروز شماره ۳۳، تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۴۱، صفحه ۲. به صورت مجلد، محل نگهداری مرکز اسناد و کتابخانه ملی

ایران، بخش پیاپی‌ها

می‌کرد. به این خاطر با اصلاحات ارضی مخالفت نکرد.» (حضرتی، آیت‌الله بروجردی و اصلاحات ارضی)^{۱۹} غیر از ملاکین و زمین‌داران، اکثریت نمایندگان مجلسین شورای ملی و سنا نیز که از ملاکین بزرگ بودند، با این اصلاحات مخالف بودند. همچنین مردم ایران که اکثراً در امور اقتصادی تابع قوانین شرع بودند، می‌بایست تقسیم اراضی را با قوانین شرع سازگار می‌یافتند، لذا باید نظر مراجع تقلید زمان یعنی آیت‌الله بروجردی هم حاصل می‌شد (سیر مبارزات امام خمینی(ره) در آیین اسناد به روایت ساواک، ۱۳۸۶).

محمد رضا پهلوی برای اجرای اصلاحات ارضی و موافق نشان دادن مردم، گروه‌هایی از کشاورزان را دعوت می‌کرد که اجتماع کنند تا از برنامه‌هایش حمایت کنند. (بُدگا، ۱۳۷۸) دو نفر از رهبران روحانی در قبال تصویب و اجرای اصلاحات ارضی موضع‌گیری کردند. مخالفت آیت‌الله بروجردی نیز ضمنی بود. به گفته حائری، تنها یکی از مراجع تقلید با این قانون مخالفت کرد و او "آیت‌الله سید احمد موسوی خوانساری" بود که اعلامیه صادر کرد. (حائری، ۱۳۷۲) شهید محلاتی نیز می‌گوید: «بهبهانی مسئله را بدجوری مطرح کرد و گفت این کارها بر خلاف شرع است.»^{۲۰}

امینی در این باره خود را دلسوز مردم و علاقه‌مند به روحانیت مطرح ساخت؛ حتی برای فریب افکار عمومی و جلب نظر جامعه روحانیت به دیدار علما و مراجع قم رفت؛ ولی امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) با ذکر مطالبی درباره دیکتاتوری پهلوی و سلطه آمریکا، وی را ناامید کرد و فرمود: «شما امروز که عهده‌دار ریاست دولت هستید و نخست‌وزیری کشور در اختیارتان است، مسئولیت سنگین‌تری دارید. شما در امور دین با مردم، آن‌چنان رفتار کنید، تا ذکر خیری از شما و خاطره خوبی از دوران نخست‌وزیری شما در میان مردم بماند.» سپس امام تذکراتی درباره خدمات فرهنگی روحانیت و توسعه و گسترش مسائل معنوی در سازمان‌های آموزشی و حل گرفتاری‌های عمومی و اقتصادی به نخست‌وزیر داد و سپس فرمود: «درست است که پنجاه سال پیش، اکثریت باسوادان را روحانیت تشکیل می‌داد؛ ولی حکومت در دست افرادی دست‌نشانده بود؛ از جمله رضاشاه. روحانیت می‌بایست، پایه‌های نهضت ملی را تقویت می‌کرد تا روزی بتواند با حکومت‌های غیر ملی مبارزه و مقابله کند.

^{۱۹} حضرتی، حسن؛ مقاله آیت‌الله بروجردی و اصلاحات ارضی، (پژوهش انتشار نیافته در پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی)

^{۲۰} خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، مصاحبه از سید حمید روحانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۴

آیت‌الله بروجردی برای نشان دادن مخالفت خود با اصلاحات ارضی محمدرضا پهلوی را به قیام و خارج شدن از ایران تهدید کرد. همچنین وقتی آیت‌الله بروجردی با خبر شد که محمدرضا پهلوی می‌خواهد اصلاحات ارضی را اجرا کند، فرمود: «اگر این‌ها می‌خواهند این کار را انجام بدهند، گذرنامه مرا آماده کنند تا من از این کشور بروم.» (فقاہت، ۱۳۷۹، به نقل از آیت‌الله شیخ مجتبی اراکی).

اهمیت موافقت و مخالفت آیت‌الله بروجردی به حدی بود که محمدرضا پهلوی نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد. به هر حال، مخالفت آیت‌الله بروجردی با اصلاحات ارضی باعث شد که این برنامه به قول نیکی‌کدی به یک کاغذپاره تبدیل شود. (کدی، ۱۳۸۶) وقتی آیت‌الله بروجردی هم رحلت کردند، بلندگوهای نظام اعلام کردند: «موانع از سر راه اصلاحات برداشته شد و به همین زودی برنامه اصلاحات آغاز خواهد شد.» (کرباسچی، ۱۳۸۰، مصاحبه با آیت‌الله جعفر سبحانی: ۱۸۹)

پس از فوت آیت‌الله بروجردی محمدرضا پهلوی اصلاحات ارضی را آغاز کرد و در مورد سابقه این امر در جایی نوشت: «این برنامه را سال‌ها پیش می‌خواستیم انجام دهیم، ولی یک مقام غیرمسئول که اطلاعی از ترقیات دنیا نداشت سد راه بود.» (کرباسچی، ۱۳۸۰) منظور محمدرضا پهلوی از یک مقام غیرمسئول آیت‌الله بروجردی بود.

دستگاه تبلیغاتی شاه در آن زمان به شدت به دنبال ترویج این مسأله بود که روحانیت و اقلیت‌مذهبی به خاطر موقوفات و ازدست ندادن نفوذ خود با اصلاحات ارضی مخالف‌اند تا از این طریق روحانیت را در مقابل طبقه دهقان و افکار عمومی قرار دهد. این در حالی بود که استدلال این دسته از مخالفان و به‌ویژه امام خمینی بیشتر بر مبنای روند غیرقانونی فراراندوم و شیوه طرح و اجرای آن بود و نه اصلاحات ارضی. (شریف، ۱۳۵۲)

اصلاحات ارضی از لحاظ سیاسی

پیامدهای گوناگون سیاست اصلاحات ارضی در ایران به دلیل پیچیدگی ساختار اجتماعی و قومی به صورت اخص، چنین شرایطی را به وجود آورد. اصلاحات ارضی، در سطح کلان ملی و تا حدودی در پیوست با ملاحظات بین‌المللی و سیاست آمریکا در منطقه به منظور مقابله با زمینه‌های نفوذ کمونیسم در ایران و کسب مشروعیت جدید در چارچوب برنامه‌های اقتصادی برای حکومت شاه و مقابله با نفوذ سیاسی مالکان بزرگ در ایران بود. اما اجرای این سیاست پیامدهای اجتناب‌ناپذیری داشت که حکومت پهلوی را در کوتاه مدت و میان مدت با چالش

های جدید سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مواجه ساخت. گسترش طبقه متوسط شهری و رشد دیوان سالاری نوین مطالبات جدیدی را در ادبیات سیاسی جامعه ایران مطرح ساخت و شیوه جدیدی از مبارزه سیاسی را در میان مخالفان ایجاد نمود.^{۲۱} شرایط خاص اجتماعی و استراتژی قومیتی حاکم، مسیر برنامه‌های اصلاحات ارضی را از سیاست کلان حکومتی جدا کرد و مخالفت‌های شدیدتری با زد و بندهای سیاسی و اجتماعی در منطقه به وجود آورد که به عنوان پیامدهای خاص سیاسی منطقه مورد بررسی قرار گرفت.^{۲۲} قوانین اصلاحات ارضی که در سه مرحله و در مدت ده سال به اجرا گذاشته شد، تغییرات و دگرگونی‌هایی در زمینه مالکیت ارضی، ساختار طبقاتی، تحرک اجتماعی، شیوه و مناسبات تولیدی و جابجایی در ترکیب گروه‌های حاکم در پی داشت که در زیر به برخی تغییرات اشاره می‌شود. (ازغندی، ۱۳۹۷، ۲۱۸)

تغییرات چهار ساله‌ای که طی سال‌های ۴۵ - ۴۱ با اجرای اصلاحات ارضی رخ داد چه در سطح اجتماعی، سیاسی و چه از نظر اقتصادی قابل توجه بود. تا قبل از سال ۴۱ بزرگ مالکان بر بیشتر مناطق حاکم بودند و بخش وسیعی از اراضی زراعی را در مالکیت خود داشتند. زارع تا حدی کم و بیش در وضع انقیاد و بردگی به سر می‌برد و هیچ ملجأ و پناهی برای دادخواهی از ستمی که بر او می‌رفت، نداشت. در واقع در حوزه اجتماعی عامل بندگی و اطاعت در رباط بین مالک و زارع به خصوص در مناطقی که اصلاحات ارضی اجرا شده بود، از میان رفته بود. همچنین نشانه‌هایی از بیشتر شدن حس وحدت و اعتماد در میان زارعان دیده می‌شد. (لمتون، ۱۳۹۴، ۱۱۴)

در واقع هدف‌های قانون اصلاحات ارضی نخست اجتماعی و سیاسی بود. نخستین هدف آن در هم شکستن نفوذ سیاسی و اجتماعی و طبقه مالکان و تا آنجا که به معمار اصلی آن دکتر ارسنجانی مربوط می‌شد، به وجود آوردن طبقه‌ای از زارعان مستقل بود. به گفته لمتون، دکتر ارسنجانی بر خلاف دیگر دست‌اندرکاران برنامه قصد نداشت مأموران دولت را جایگزین مالکان کند، بلکه معتقد بود که زارعان باید امورشان را به کمک شرکت‌های تعاونی اداره کنند. وی همچنین دریافته بود که اصلاحات ارضی با به ثمر رسیدن سطح زندگی زارعان ارتباط دارد و آن نیز تنها با افزایش تولید میسر خواهد شد و چنانچه مسئولیت اداره زارعان از ابتدای اجرا به خودشان سپرده شود و در آن صورت این انتظار در کل کشور محقق خواهد شد. (همان منبع، ۷۵)

^{۲۱} پهلوی، محمدرضا، *انقلاب سفید*، تهران کتابخانه سلطنتی، چ ۲، ۱۳۴۶

^{۲۲} هلوی، محمدرضا، *بسوی تمدن بزرگ*، تهران، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی با همکاری کتابخانه پهلوی، بی

اصلاحات ارضی که سعی بر ترمیم و اصلاح شکاف طبقاتی را داشت؛ نه تنها نتوانست این امر را پیش ببرد بلکه باعث ضرر به حال کشاورزی و نیروهای فعال در این بخش شد. از جمله تاثیرات منفی این اصلاحات بر رعایا و دیگر نیروهای اجتماعی عبارت بود از: برآمدن بورژوازی بزرگ کشاورزی و بقای کشاورزی تجاری؛ در واقع اصلاحات ارضی به دگرگونی‌های بنیادی ساختار اجتماعی و مناسبات طبقاتی انجامید و طبقه زمین دار قدیمی را از میان برداشت و در هربخش دولتی و خصوصی رشد کشاورزی تجاری را ترغیب کرد. تنها مزیت این دگرگونی عاید حکومت شد، چرا که از این طریق نه تنها رقبای سستی خود یعنی مالکان را از بین برد بلکه توانست عایداتی از طریق کشاورزی تجاری نصب خود گرداند. برقراری سلطه حکومت بر مناطق روستایی و ظهور یک خرده بورژوازی حکومتی در کشاورزی. حکومت با تصاحب بسیاری از املاک زمین داران به یک حکومت مالک و زمین دار تبدیل شد. این اصلاحات علاوه بر دگرگونی در الگوی مالکیت، باعث تغییرات مهمی در جمعیت کشور شد؛ در حالیکه در اوایل دهه ۱۳۴۰ در حدود ۳۰ درصد از جمعیت ایران در شهرها زندگی می کردند، در سال ۱۳۵۴ این رقم به ۴۵ درصد رسید. شاه بسیاری از ثروتمندان زمین دار را با خودش دشمن کرد با این امید که در عوض، پشتیبانی کشاورزان را جلب کند. کنترل قیمت محصولات کشاورزی مانند گندم، افزایش جمعیت مهاجرت روستاییان بی زمین به شهرها، بی توجهی دولت به مازاد محصولات کشاورزی برای تامین غذا، صادرات و تامین درآمد، به دلیل استفاده از عواید نفت از مهم ترین مسائلی بود که سطح محصولات کشاورزی را دچار افت کرد (اشرف، ۱۳۸۷).

در کنار اهداف سیاسی و اجتماعی، با افزایش سطح تولید کشاورزی، افزایش قدرت خرید روستاییان، ایجاد اشتغال در روستا و به کارگیری نیروی کار اضافی به منظور تامین نیاز صنایع مونتاژ، از جمله اهداف اقتصادی رژیم ایران بود که با اصلاحات ارضی تعقیب می شد. (لمتون، ۱۳۹۴، ۱۵-۱۱۴) موفقیت عملی از لحاظ منافع مثبت واقعی برای دهقانان مشمول قانون عملاً صفر بود. در ۱۳۵۰ اکثریت روستائینان از نظر موقعیت اقتصادی بهتر از سال های قبل از اجرای برنامه نبودند. دلیل این ناموفقیتی، آن است که نیمی از خانوارهای روستائین مشمول قانون اصلاحات ارضی نشدند چون حق نسق نداشتند. اکثریت دهقانانی که صاحب زمین شدند قطعه زمین های کوچک و نامرغوبی به دست آوردند و نیمی از زمین ها اصولاً تقسیم نشد و در اختیار بزرگ مالکان باقی ماند. مالکیت مالک غایب تا حد زیادی تعدیل شد اما از بین نرفت. دهقانان صاحب نسق که دارای زمین شدند با این مالکیت تنها حداقل معیشت خود را تأمین می کردند. چون بنا به برآوردهای آن زمان برای تأمین معیشت یک خانواده دهقان، حداقل ۷ هکتار زمین

لازم بود. دهقانان بدون حق نسق باز هم بی زمین ماندند و فقیرتر شدند و دهقانان متوسط و واسطه ها وضع بهتری پیدا کردند.

با پایان اصلاحات ارضی ۴۵۰۰۰ زمیندار عمدتاً غایب و بزرگ عمدتاً غایب و بزرگ باقی ماندند به طوری که ۱۳۵۰ نفرشان املاک وسیعی بالای ۲۰۰ هکتار داشته اند. ۴۷ درصد همه زمین های دایر و قابل کشت در دست این مالکان غایب باقی ماند که اغلب زمینهای حاصلخیز را شامل می شد.

نتیجه گیری

بر مبنای یافته های پژوهش حاضر، از همان ابتدای اجرای سیاست اصلاحات ارضی، خوانین و مالکان، در جهت عدم تحقق سیاست اصلاحات ارضی تلاش کردند و رژیم شاه نیز با توجه به پشتوانه های حکومتی نظیر ساواک و نیروهای نظامی، مانند دوران رضاشاه در صدد برآمد تا به مقابله با آنها برخیزد. از دیگر موانع انجام اصلاحات ارضی، مأموران رژیم بودند که به دلیل منافع مالی حاصل از سیاست تقسیم اراضی نه تنها از تقسیم اراضی به صورت صحیح و اصولی در بین کشاورزان خودداری می کردند؛ بلکه در پاره ای اوقات سعی می نمودند با دور زدن قانون، زمین ها را به نفع خودشان متصرف شوند. این موضوع و مسائل دیگر سبب شد تا اختلافات عدیده ای بین زارعان، مالکان، و مأموران اصلاحات ارضی به وجود بیاید.

تفاوت اصلاحات ارضی قبل و اصلاحات ارضی بعد از انقلاب در این بود که اولاً سوءاستفاده و مستثنی کردن عده ای از مالکان در آن نبود، دوم اینکه به دنبال واگذاری اراضی، امکانات لازم از قبیل وام، ادوات کشاورزی و غیره نیز به کشاورزان داده شد و در نتیجه تولید محصولات کشاورزی با رشد چشمگیری مواجه گردید. سوم آنکه جهات شرعی که کشاورزان نیز به رعایت آن مقید بودند در نظر گرفته شده بود. ولی در اصلاحات ارضی شاه این فرآیند ضروری رخ نداد. قانون تقسیم اراضی کشاورزی که پس از انقلاب اجرا شد بارها و بارها از قانون پر سر و صدای اصلاحات ارضی شاه انقلابی تر و مهم تر و موثرتر بود. نکته مهم دیگری هم بود که برای افرادی که الان به مساله نگاه می کنند، چندان قابل دیدن نیست. مساله اصلاحات ارضی در زمان مرحوم آیت الله بروجردی هم مطرح شد که ایشان به سهولت جلوی آن را گرفت. شاه با طرح مجدد آن به نوعی در صدد بود که ضعیف شدن روحانیون و دین را به واسطه فوت آقای بروجردی اثبات کند و امام نیز برای جلوگیری از این برداشت ایستادگی کرد چرا که اگر عقب نشینی می کرد اقدامات بعدی هم از طرف شاه انجام می شد و این نکته ای بود که ایشان در برخی سخنان خود

به آن اشاره کرده است. در عمل محصولات کشاورزی و زندگی روستاییان بهبود نیافت. بسیاری از کشاورزان به علت محدودیت زمین هایی که به آنان تعلق داشت، از کشاورزی دست برداشتند. کشاورزانی نیز که در روستاها ماندند به سختی می توانستند مخارج زندگی خانواده های پرجمعیت خویش را از زمین های کوچک تامین کنند. بنابراین با توجه به دستمزد بالا در شهر در مقایسه با روستا، روند مهاجرت از مناطق روستایی افزایش یافت و در نهایت آمارهای موجود در سازمان های مربوطه نشان دادند که جمعیت به شدت سیر صعودی را در پیش گرفت که این مهاجرت فزاینده، منجر به کاهش تولید محصولات کشاورزی و خالی شدن روستاها از نیروی انسانی جوان و نیرومند گردید. همچنین استفاده از تراکتور و دیگر ماشین آلات جدید فقط در تعداد اندکی از روستاهای بزرگ یا نزدیک به شهر رواج داشت و روستاهای دورافتاده نمی توانستند از این ماشین آلات استفاده کنند و سرانجام آنچه می توان گفت این است که این طرح به شدت از اهداف سیاسی به جای ارتقای واقعی موقعیت کشاورزان پیروی می کرد و بدون در نظر گرفتن ابعاد طرح اجرا گردید. اصلاحات ارضی در شهر پیشگام اصلاحات ارضی نتوانست تأثیرات مثبتی از خود برجای گذارد و سبب سیل خروشان مهاجرت روستاییان به شهر شد. مقابله با حوزه نفوذ شوروی و ادغام ساختار اقتصادی و سیاسی ایران در نظام سرمایه داری دو انگیزه مهم آمریکا برای انجام تغییرات اجتماعی ایران بود که با عنوان برنامه انقلاب سفید شاه معروف گشت. مهم ترین محور این برنامه اصلاحات ارضی در ایران بود که ساختار اجتماعی و طبقاتی در ایران را تحت شعاع خود قرار داد و با برهم خوردن نظام طبقاتی در ایران زمینه برای بروز نابسامانی های اجتماعی و سیاسی فراهم گردید به طوری که جامعه روستایی آرام و غیر انقلابی طی یک دوره چندین ساله به نیروهای شهری انقلابی پیوسته و به عنوان توده های اجتماعی در جبهه انقلابی جذب گفتمان های فعال درون اجتماع شهری گردیدند.

علاءالدینی، فرشید، فاطمی، رزیتا، رنجبران، هومن و فیض زاده، علی، (۱۳۸۴)، میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در پزشکان ایرانی، مجله پژوهشی حکیم، دوره هشتم، شماره سوم، ص ۹-۱۵، ازغندی، علیرضا، (۱۳۹۷)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، تهران، سمت، چاپ یازدهم.

شهبه، مرتضی، پایان‌نامه نقش آمریکا در اصلاحات دهه ۱۳۴۰ شمسی در ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۴-۱۳۸۳.

فارسی، جلال‌الدین، زوایای تاریک، چاپ اول، مؤسسه چاپ و انتشارات حدیث، تهران، ۱۳۷۳.

امامی خوئی، محمدتقی و نرگس ضیایی، مقاله اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران، مجله مسکویه، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۷، صفحات ۵۹ الی ۸۶.

حسامیان، فرخ، اعتماد، گیتی، حائری، محمدرضا، (۱۳۶۳)، شهرنشینی در ایران، تهران، آگاه. طالب، مهدی، عنبری، موسی، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی روستایی (ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران)، دانشگاه تهران، چاپ دوم.

علیپوریان، طهماسب، نوری اصل، احد، شهریاری، حیدر، (۱۳۹۵). تحلیل اصلاحات ارضی ایران (دهه ۱۳۴۰) بر مبنای روش‌شناسی ساختار-کارگزار، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۲۱، پاییز ۱۳۹۵. لمتون، آن.ک.س، (۱۳۹۳)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهرامیری، تهران، علمی فرهنگی، چاپ پنجم.

لمتون، آن.ک.س، (۱۳۹۴)، اصلاحات ارضی در ایران (۱۳۴۵-۱۳۴۰)، ترجمه مهدی اسحاقیان، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم. شوکراس، ویلیام، ۱۹۸۸، آخرین سفر شاه و سرنوشت یک متحد آمریکا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۶۹ش، چاپ دوم، ص ۱۳۳.

هوگلاند، اریک-ج، (۱۳۹۲)، زمین و انقلاب در ایران، فیروزه مهاجر، تهران: پردیس دانش نجاتی، غلامرضا؛ تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، جلد ۱، تهران: انتشارات رسا، چاپ ششم، ۱۳۷۹.

روزنامه اطلاعات، سال سی و چهارم، شماره ۱۰۱۴۰، به تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۳۸، صفحات ۱۸ و ۱۹ و ۲۳، (متن گزارش کمیسیون خاص مجلس شورای ملی در مورد لایحه اصلاحات ارضی)

۱. بُدَلْا، حسین؛ هفتاد سال خاطره، تهران: مرکز نشر انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸
- سیر مبارزات امام خمینی (ره) در آئینه اسناد به روایت ساواک، جلد ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- میلانی، محسن، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، چاپ ششم، انتشارات گام نو، ۱۳۸۸. صفحات ۱۰۰ و ۱۰۱
- متولی حقیقی، یوسف، مقاله دولت امینی و اصلاحات پیشنهادی آمریکا، پژوهش‌نامه تاریخ، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۸۷. صفحه ۱۴۶.
- متولی حقیقی، یوسف، مقاله دولت امینی و اصلاحات پیشنهادی آمریکا، پژوهش‌نامه تاریخ، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۸۷، صفحه
- شکوه فقاقت، یادنامه حضرت آیت‌الله حاج‌آقا حسین بروجردی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- چشم و چراغ مرجعیت، (مصاحبه با آیت‌الله سلطانی طباطبایی)، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- . فوزی، یحیی؛ رهبران مذهبی و مدرنیزاسیون در ایران دوره پهلوی دوم، مجموعه مقالات اعضای هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی (پژوهش انتشار نیافته) جلد ۱، نیمسال اول تحصیلی ۷۹-۸۰.
- کدی، نیکی؛ ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- کرباسچی، غلامرضا؛ تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (تاریخ حوزه علمیه قم)، جلد ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰
- شجیعی، زهرا، (1344)، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، تهران: مؤسسه تحقیقات اجتماعی
۱. علی اصغر شریف، "لغو تیول و تیولداری"، بررسی‌های تاریخی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۲، شماره ۴۴ و ۴۵، ص ۸۰.
۲. حسین آبادیان، ۱۳۹۷، اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران، دوفصلنامه علمی پژوهشی، سال هشتم، شماره دوم

Azarbaijan- Tabriz, publication of central council of empire celebration in the province of East Azarbaijan..

Arsanjani Nour aldin, (2016) ,,The Service Integration Maturity Model: Achieving Flexibility in the Transfor-mation to SOA,““ Proceedings of the IEEE International Conference on Services Computing, Chicago, pp. 515.

Ashraf, Ahmad & Banuazizi, Ali (1985), “The State, Classes and modes of Mobilization in the Iranian Revolution”, *State, Culture, and Society*, Vol. 1, No. 3, Spring.

Hooglund, Eric (May 1980) “Rural Participation in the Revolution”;*MERIP*, No. 87.

0

